

دکتر باقرپور کاشانی



اشتباه احمد الحسن در مستقل ندانستن
معجزه برای شناخت حجت الهی

هوالحکیم

اشتباه احمدالحسن در مستقل ندانستن معجزه برای شناخت

حجت الهی

احمدالحسن (مدعی یمانی) معجزه را فقط مؤید می داند و دلیل مستقل نمی داند! در صورتی که ما می دانیم که در فرمایشات معصومین آمده، روایتی هم در جلسات قبل خواندم که معجزه، صدق صادق را از کذب کاذب مشخص می کند. معجزه، خودش معیار هست بر اینکه این فرد حجت الهی هست، که البته این مسئله ای که ایشان می فرمایند قطعاً با مهم ترین اصل تعارض دارد! یعنی با این حرفی که ایشان می زنند، کلاً بقاء ادیان زیر سؤال می رود!

مثلاً گاهی اوقات ما در عصر یک حجت الهی هستیم، محرز شده به هر دلیل که ایشان حجت الهی هستند. ایشان می آید جانشین بعد خودش را انتخاب می کند. ما هم ایشان را می شناسیم جانشین بعد خودش را هم می شناسیم. نیاز نیست جانشین بعد ایشان معجزه ارائه بدهد. همین که حجت خدا تأیید کند کفایت می کند. نص در این مورد کارگشاست. بله اگر معجزه هم ارائه بدهد می شود مؤید.

اما نکته سر این است که جناب احمد اشتباهی که کردند این است، اگر چنانچه بله نص باشد مثلاً در مورد حضرت صاحب الزمان علیه السلام که ایشان توسط امام حسن عسکری علیه السلام، توسط آباء بزرگوارشان، توسط وجود نازنین نبی اکرم، توسط انبیاء که

بشارت دادند به این منجی، ایشان به‌عنوان خاتم‌الأوصیاء نبی‌اکرم مطرح شده، به‌عنوان قائم مطرح شده، به‌عنوان منجی مطرح شده است. یک وقت ما در عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام هستیم، ایشان برای ما مسجل شده حجت الهی هست، امام زمان علیه‌السلام هم می‌بینیم، امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند این فرزندم امام زمان علیه‌السلام هست، دیگر ما نیازی نیست از امام زمان علیه‌السلام معجزه بطلبیم!

اما یک وقت ایام غیبت می‌آید به تعبیری ایام فترت می‌آید، امام در بین ما نیست، این جا چه کار می‌کنیم؟! مشکل پیش می‌آید!

این جا وقتی حضرت حجت تشریف می‌آورند، ما مشکل با نص نداریم، ما حضرت تشریف بیاورن با نص پذیرفتیم که مهدی، شخصیتی به نام (م ح م د بن‌العسکری) است و ایشان همان قائم و همان خاتم‌الأوصیاء نبی‌اکرم هستند. اما ایشان حالا تشریف آوردند، ما از کجا بفهمیم که ایشان مصداق همان (م ح م د بن‌العسکری) هستند؟ یعنی همان حقیقت شخصی امام زمان هستند؟! ما از کجا بفهمیم؟! ممکن است اگر به زیبایی ظاهر باشد، این‌ها همه فضل هست افراد زیبایی در طی تاریخ بودند و این‌ها شارلاتان و حقه‌باز درآمدند! اگر به علم باشد، علمای بزرگی بودند که این‌ها خائن درآمدند!

در کتاب منیة‌المريد، مرحوم شهید ثانی می‌گوید که بلعم باعورا دوازده هزار قلمدان، مطالب او را می‌نوشتند! یک عالم بوده و یک کسی بوده که از لحاظ سیر نفسانی به یک جا رسیده که خداوند افاضه به او کرده که هر دعایی بکند مستجاب

بشود! اما پایش لغزید! در مقابل حجت الهی خواست نفرین بکند! و حتی وقتی حرکت کرد که نفرین بکند، این الاغ بلعم باعورا طبق فرمایشات معصومین آمده که بهش سواری نداد و این بلعم باعورا این قدر الاغ را زد که این الاغ کشته شد! و آمده که چند تا حیوان که وارد بهشت می شوند، یکی از آنها همین الاغ بلعم باعورا هست.

علی ای حال ما می بینیم که این فرد می دانسته که حضرت موسی علیه السلام حجت الهی هست و دیده که حتی این مرکبش به او سواری نمی دهد و آمد نفرین کند، مثل می زنند مثل کلب و سگ، زبانش جوری بیرون می آید که نمی تواند نفرین کند! و این گونه به انحطاط کشیده می شود و در نهایت هم کار به کجا کشیده می شود؟ جهنمی می شود!

یعنی می خواهم بگویم صرف علم داشتن، دلیل بر حجت الهی نیست! به خاطر اینکه خیلی از علماء بودند پایشان لغزیده و منحرف شدند! صرف اینکه حرکت های نفسانی یا مستجاب الدعوة بودند، باز هم این دلیل بر حجت الهی بودن نیست. پس این فرد از کجا بتواند تشخیص بدهد؟ وقتی حضرت صاحب تشریف می آورند، ایشان صرف اینکه بگویند من فرزند امام حسن عسکری علیه السلام هستم؟! اینکه ممکن است که یک آدمی بیاید چنین ادعایی بکند که اینک چنین ادعایی هم کردند!

امام زمان علیه السلام بگوید از من علم سؤال کنید؟! این هم که افراد عالمی بودند منحرف درآمدند! ایشان بگوید من مستجاب الدعوة هستم؟! نمونه اش بلعم باعورا هست که قبلاً مستجاب الدعوة بود! مثلاً یک مدت مستجاب الدعوة باشد بعد چنین ادعاهای کذایی بخواهد بکند!

این جاست که امام زمان علیه السلام برای اینکه برای مردم مسجل شود که مصداق نص پیامبر و آباء ولی عصر من هستم، آن جا باید معجزه اقامه کند! ببینید نکته سر این است! یعنی احمد الحسن اگر این مسئله را دقت می کرد، چنین خطای بزرگی را مرتکب نمی شد!

ایشان در صفحه ۱۵۵ کتابش می نویسد که:

«این همچنین به این معناست که راه شناخت امام مهدی علیه السلام که از هزار سال پیش غائب است، برای افرادی که دلیل شان برای ایشان این است که با معجزه می آید بسته است».

ببینید کسانی که می گویند امام زمان علیه السلام با معجزه می آید و این معجزه راه شناخت حضرت ولی عصر هست، بعد از چه؟ وقتی که بیش از هزار سال ایشان غیبت شده. یعنی بعد طبیعتاً کسی ایشان را ندیده، در زمان حضرت عسکری علیه السلام نبوده که آن ها از دنیا رفتند. الان هست، امام زمان علیه السلام را ندیده. حالا امام زمان علیه السلام تشریف می آورند و ایشان بخواهد معجزه ارائه بدهد و از این طریق بفهمند که ایشان حضرت مهدی هستند، احمد الحسن می گوید این اشتباه است!

در صورتی که باز ایشان به نص تکیه می‌کند! ما انکار نص نمی‌کنیم، اما در این مورد نص به تنهایی کفایت نمی‌کند! نکته سر این است که به تنهایی نص کفایت نمی‌کند! و برای اینکه روشن شود که این شخص مصداق اون نص هست، باید بیته اقامه کند باید معجزه اقامه کند و چنین کاری را می‌کنند!

ایشان می‌گویند نه! وقتی امام زمان علیه السلام می‌آید، اصلاً هیچ معجزه‌ای اقامه نمی‌کند! اصلاً لازم نیست برای شناخت خودش معجزه اقامه کند!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ